



محقق داماد: تکفیر نتیجه تقسیم بندی انسان ها به مومن و کافر است

آیت الله مصطفی محقق داماد درهمایش بزرگداشت روز شیخ اشراق گفت: حربه تکفیر ناشی از تقسیم بندی انسان ها به مومن و کافر است. باید این تقسیم بندی را کنار گذاشت و به تقسیم بندی مسالم و محارب رسید.

آیت الله مصطفی محقق داماد درهمایش بزرگداشت روز شیخ اشراق گفت: حربه تکفیر ناشی از تقسیم بندی انسان ها به مومن و کافر است. باید این تقسیم بندی را کنار گذاشت و به تقسیم بندی مسالم و محارب رسید.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله مصطفی محقق داماد در همایش بزرگداشت روز شیخ اشراق که به همت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، سخنرانی خود را با عنوان سهروردی شهید تکفیر ارائه کرد و گفت: اگر شنوا باشیم و اندکی گوش بدهیم صدای فرزندان یتیمی را می شنویم که پدرانشان را می کشند و ناله بیوه زنانی را می شنویم که شوهرانشان را سر می برند... در چنین زمانی سخن از سهروردی می گوئیم، تمام این سروصداهایی که الان هست اگر به طول تاریخ نگاه کنیم می بینیم که این تصور چقدر خون داده است. ریشه این قضیه به کجا برمی گردد؟ ریشه اش به جایی برمی گردد که تمام ادیان به آن متهم هستند.

وی افزود: تمام ادیان به این متهم اند که شما جامعه را به مومن و کافر تقسیم کرده اید و این تنها به ادیان ابراهیمی اختصاص ندارد، سقراط دانای یونان را به اتهام تشویش اذهان عمومی نسبت به خدایان در محکمه ای با ۵۰۰ عضو هیات منصفه محاکمه کردند. این تفکر مساله ادیان ابراهیمی نیست بلکه ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح هم می بینیم که وجود دارد. سقراط جام شوکران از دست کسانی می خورد که به او گفتند کافر است و او هم اطاعت از قانون کرد و آن را نوشید و تاریخ را در سوگ یک دانایی نشاندد.

محقق داماد در ادامه یادآورشد: در تاریخ اسلام از همان روزهای آغازین این مسئله شروع شد به ویژه بعد از پیامبر اسلام، در زمان رسول اکرم کسی تکفیر نشد. این قضیه بعد از رسول الله در دوران قدرت خلافت شروع شد و در یک دوره قدرت دینی این حربه بسیار قوی در دست آنان بود. همه از نهاد تکفیر استفاده کردند تا اینکه به شیخ اشراق می رسیم که یکی از نمونه های اسفبار این تئوری در قرن ششم است. او خود فقیه است و جالب است در یک طرف هم افرادی که او را کافر می دانند فقیه و عالم دین هستند در چنین جایی قدرت به خودش اجازه می دهد که او را از بین ببرد.

وی افزود: این مرد با این ویژگی ها به محکمه می آید و کافر شناخته می شود، در مقاله ای باعنوان «سهروردی در دادگاه جهل مقدس» آورده ام که تاریخ همه قضیه و بازپرسی ها را ننوشته است و در اینجا مقصر است. داستان این است که ایشان جاذبه داشته و یکی از افرادی که جذب او شده است پسر صلاح الدین ایوبی است، حسودان(روحانیون رقیب و حسود) دسیسه کردند، او را از پای درآوردند و نامه ای به سلطان می نویسند که ایشان پسران را منحرف کرده است و او را به محکمه کشاندند.

محقق داماد تصریح کرد: قاضی از سهروردی سوال کرد که تو در برخی از تصانیف خود نوشته ای که خداوند قادر است پیامبر دیگری بیافریند، آیا صحیح است؟ شیخ پاسخ داد، آری نوشته ام. قاضی گفت این محال است. سهروردی یک کلام گفت و سکوت کرد، گفت: دلیل بر محالیت آن چیست؟ مگر نه اینکه خداوند قادر بر تمام امور ممکن است. قاضی رای خود را صادر و حکم قتل او را صادر کرد. علاوه بر استدلال های روشنی که می توانست مطرح شود. اما این جملات چه دلیلی بر الحاد اوست، انکار کدام یک از ضروریات دین است.

این استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی افزود: قاضی نادان اینگونه می اندیشید که اگر فردی قادر به امکان عقلی باشد که خداوند می تواند پیامبر دیگری را خلق کند او ملحد است... اما چرا سهروردی جواب نداد، با وجود اینکه می توانست پاسخ مستدل و مبینی به این موضوعات بدهد. به نظرم سهروردی عمق فاجعه را فهمیده بود او فهمیده بود که اگر دادرسی عادلانه ای وجود داشته باشد باید شرایط آن مهیا باشد. شرط نخستین دادرسی عادلانه آزادی دادرس از هر نوع فشار است.

محقق داماد در ادامه با اشاره به انواع فشار گفت: فشار بر دو نوع است؛ فشار بیرونی یعنی دستوراتی که از بالا و قدرت می آید و فشارهای درونی که از دگماتیست و جزمیت ناشی از کج فهمی های دینی حاصل می شود. اگر دادگاه

های لنین و استالین را مطالعه کنیم به این مسئله می‌رسیم. در دادگاه سهروردی هر دو نوع فشار بر قاضی بوده است.

وی با طرح اینکه اما چه باید کرد؟ ادامه داد و گفت: این حربه تکفیر ناشی از تقسیم بندی انسان ها به مومن و کافر است. به نظر من باید این تقسیم بندی را کنار گذاشت و به تقسیم بندی جدیدی که انسان ها را به مسالم و محارب تقسیم می کند تن داد. به این معنی که هرکس ساتور به دست نیست دست او را بفشاریم و روی آن را بیوسیم و در واقع به حکم قرآن عمل کنیم. ما جایز به جنگ کردن با کسی که با ما جنگ نمی کند نیستیم، جمهوری اسلامی اولین کاری که می کند به این نظریه باید فکر کرده و اعلام کند و تفاوت خود را با داعش بیان کند. چرا که تکفیر ناشی از آن تقسیم بندی است در صورتی که اسلام به معنی سلام به معنای عشق، دوستی و... اسلام انسانها را به مسالم و محارب تقسیم کرده است هر کسی که محارب نیست، ما حق نداریم او را حرب کنیم و اگر محارب است ما باید از خودمان دفاع کنیم.